

سخنرانی دکتر سید حسین موسویان* در میزگرد
مرکز تحقیقات گلف-دوبی-۱۲ اردیبهشت ۸۵

۱۳ عنصر کلیدی در عاری سازی خلیج فارس از سلاحهای کشتار جمعی

ایده‌ی «خلیج فارس عاری از سلاحهای کشتار جمعی (PGWMDFZ)» فی‌نفسه یک ایده‌ی جذاب در راستای تأمین صلح و ثبات و امنیت منطقه و جهان است. اما برای تحقق چنین ایده‌ای توجه به نکات ذیل کلیدی است:

۱- ایده PGWMDFZ باید در قالب «طرح ترتیبات امنیتی منطقه‌ی خلیج فارس»

تعریف شود. در واقع ایده‌ی کشتار جمعی (PGWMDFZ) به‌عنوان بخشی از «طرح کلان خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی» قابل تحقق خواهد بود.

۲- درک مشترک از کشورهای عضو ضروری است. قاعدتاً این ایده باید از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران، عراق و یمن طرحی

* دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه کنت انگلستان و معاون روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک.

عاری سازی خاورمیانه از سلاحهای کشتار جمعی بدون نگرانی از تضمین امنیت اسرائیل یک طرح کاملاً عملی می باشد. لذا نباید ایده ی خلیج فارس عاری از سلاحهای کشتار جمعی طرحی برای رها کردن مسئله اسرائیل باشد.

۵- در خصوص اسرائیل، سیاستهای غیرشفاف این رژیم به عنوان رژیمی که از توانمندی بالای هسته ای برخوردار بوده و از آن برای مقاصد تهاجمی و نه دفاعی استفاده می کند، باعث ایجاد وضعیت عدم قطعیت در طرح منطقه ی عاری از سلاحهای کشتار جمعی می گردد.

باید توجه داشت اسرائیل سلاحهای کشتار جمعی را به عنوان آخرین وسیله در بازدارندگی نمی بیند، بلکه چتری امنیتی برای ادامه ی اشغال غیرقانونی سرزمینهای اشغال شده است.

۶- تا زمانی که اسرائیل عضویت معاهدات خلع سلاح را نپذیرفته، انبارهای عظیم و سلاحهای کشتار جمعی موجود در این کشور نابود نشده است؛ برقراری بالانس قدرت در خاورمیانه برای حفظ صلح و ثبات و

را برای طرح کلان خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی آماده کند.

۳- دستیابی به چنین هدفی نیازمند ارتقای آن از حالت یک ایده ی انتزاعی به مکانیسمها و چارچوبه های تعریف شده و قواعد هماهنگ ساز میان کشورهای مورد نظر باشد. نکته اول که در این باره باید به خاطر داشت، تفاوت ادراکات موجود از تهدید در میان کشورهای منطقه است. یکسان سازی و یا به طور دقیق تر نزدیک ساختن درک از تهدید، و دستیابی به منافع مشترک میان کشورهای منطقه یکی از مهم ترین پیش زمینه های تحقق این روند است.

۴- عاری سازی خاورمیانه از سلاحهای کشتار جمعی (ME WMD FZ) ضرورت اصلی و اساسی است. اسرائیل تنها کشور دارنده ی سلاحهای کشتار جمعی در خاورمیانه است که هیچ یک از معاهدات خلع سلاح را نیز نپذیرفته است. تهدید اصلی برای همه کشورهای خاورمیانه، اسرائیل است. با توجه به آنکه سیاست همیشگی دولتهای مختلف آمریکا تضمین برتری نظامی اسرائیل در منطقه بوده است، طرح

آنارشی را برای مدتی به منطقه تحمیل کرده‌اند. در مجموع تهدیدات از چارچوبه‌ی خلیج فارس فراتر بوده و منابع موجود در منطقه، باعث توجه قدرتها و کشورهای بیرونی شده است. در عین حال حتی اگر کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس بتوانند به مکانیسم مشخصی در بین خود دست پیدا کنند، همسایگان آنان از توانمندیهایی در زمینه‌ی سلاحهای کشتار جمعی برخوردارند که می‌تواند عملاً این سیستم را از کارایی خارج نماید. وجود هند و پاکستان از یکسو، و به ویژه اسرائیل از سوی دیگر - که در عین حال هیچ یک به معاهدات خلع سلاح و منع گسترش پایبند نیستند - کار را بسیار دشوار می‌سازد.

۹- نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه داشت، و اهمیت بسیار زیادی نیز دارد، اعتماد و اطمینان متقابل است که می‌تواند شرایط تحقق منطقه‌ی عاری از سلاحهای کشتار جمعی را تسهیل نماید. اعتماد و اطمینان متقابل نیز خود نیازمند شرایط ویژه‌ای هستند؛ نزدیک‌سازی دیدگاه تصمیم‌گیرندگان

امنیت اجتناب‌ناپذیر است. کشورهای ایران، مصر، عربستان و عراق از جمله کشورهای قدرتمند اسلامی هستند که امکان ایجاد تعادل و بالانس قدرت در خاورمیانه در مقابل اسرائیل را دارند. مسلم است که دستیابی هیچ کشوری به سلاحهای کشتار جمعی کمکی به ایجاد بالانس قدرت نخواهد کرد.

۷- با حضور نظامی قدرتهای بزرگ در منطقه نمی‌توان به طرح عملی در مورد PGWMD FZ فکر کرد. قدرتهای بزرگ حاضر در منطقه، دارنده‌ی ذخایر اصلی سلاحهای کشتار جمعی در جهان هستند. یکی از نتایج مهم عادی‌سازی منطقه‌ی خلیج فارس از سلاحهای کشتار جمعی باید حذف حضور نظامی کشورهای خارجی از این منطقه باشد.

۸- نگاهی جامع به عوامل آشوب‌سازی یا بی‌ثبات‌کننده در منطقه، می‌تواند مبنای مناسب‌تری برای تحقق ایده‌ی منطقه‌ی عاری از سلاحهای کشتار جمعی را فراهم سازد. باید توجه داشت این منطقه همواره با ورودیهای آشوب‌سازی مواجه بوده است که در شرایط خاص فعال شده و شرایط

سلاحهای کشتار جمعی همسایگان خود و یا دوستان همسایگان خود در امان باشد. رفع تهدید و نگرانی بین کشورهای منطقه در کنار رفع تهدید و نگرانی کشورها از همسایگان منطقه را در کنار هم باید دید.

۱۲- باید طرحها و مکانیسمهای اجرایی در این زمینه را تدوین و به دولتها پیشنهاد کرد. در این طرحها و مکانیسمهای اجرایی لازم است ضمن تحلیل دیدگاههای کلی دولتهای منطقه، به موضوعات ترتیبات امنیت جمعی، منافع مشترک ملتهای منطقه برای ارتقای صلح و امنیت، شکوفایی اقتصادی و در نهایت دستیابی به هویت واحد تأکید کرد.

۱۳- ایران از هر ایده‌ای که به همگرایی بیشترین کشورهای منطقه خلیج فارس کمک کند حمایت می‌کند. در این چارچوب از ایده‌ی خلیج فارس عاری از سلاحهای کشتار جمعی نیز تا آنجا که به اهمیت استراتژیک ابتکار خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی لطمه نزند حمایت کرده و آماده همکاری می‌باشد.

درخصوص مسائل مرتبط با امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای، و دوم شفاف‌سازی که کار بسیار دشواری است و علت آن نیز در همان تفاوت در درک از تهدید و امنیت نهفته است. در عین حال وجود مکانیسمی سیاسی، حقوقی و فنی و سیستم نظارت مشترک در مراحل پیشرفته می‌تواند به هر دو این موارد کمک نماید.

۱۰- «سیستم همکاریهای جمعی منطقه‌ای» را به عنوان «طرح مادر» باید تلقی کرد. منطقه قبل از هر چیز به اعتمادسازی کامل و جامع نیاز دارد. وجود یک سیستم همکاری جمعی منطقه‌ای برای همکاریهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی برای:

۱-۱۰- اعتمادسازی کامل و جامع،

۲-۱۰- عدم مداخله‌ی قدرتهای خارجی در منطقه،

۳-۱۰- صلح و ثبات و امنیت پایدار،

۴-۱۰- تحکیم روابط ملتها،

۵-۱۰- توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای، یک

«ضرورت حیاتی» است.

۱۱- منطقه باید از هرگونه تهدید